



محمد حسین فیاض

اسلام و حق آموزش زنان

نشر دوباره: شنبه ۰۳ اکتوبر ۲۰۲۶

پس از منع تحصیل دختران و بستن مکاتب و دانشگاه‌ها به روی آنان از سوی طالبان، بسیاری ها تلاش کردند که با تکیه بر منابع دینی و استناد به چند روایت، طالبان را متقاعد کنند تا از خر شیطان پائین بیایند و به دختران اجازه تحصیل دهند. اما حرف طالبان و در رأس آنان ملاهبت‌الله یکی بود که چنین چیزی امکان ندارد.

دیروز یکی از خواهران کتاب‌هایی در راستای حق آموزش زنان در قوانین بین‌المللی و اسلام را از من خواست. ضمن یافتن چند کتاب برایش نوشتم: اگر ما بخواهیم حق آموزش زنان را از متون دینی و سیره اثبات کنیم، چنین چیزی امکان ندارد، زیرا زنان پیامبر بی سواد بودند و حضرت زهرا، دختر پیامبر بی سواد بود؛ چه این که هیچ گزارشی از کتابت و سواد وی در منابع نیامده است. با این وضع نمی‌توان از این ره به جایی رسید. ممکن است که برخی گویند ام‌المؤمنین عایشه و برخی زنان پیامبر، راوی حدیث پیامبر بوده‌اند و در میان محدثان از جایگاه بالا برخوردارند و همچنین حضرت زهرا «محدثه» بوده است. غافل از این که نقل روایت به معنی باسواد بودن نیست. کلاً روایت پیامبر و بسیاری روایات ائمه به صورت شفاهی نسل به نسل منتقل و کتابت شده است. با توجه به نکات یاد شده، یک زن باسواد را نمی‌توان در صدر اسلام نشان داد که آموزش زنان را تهداب‌گذاری کرده باشد تا بگوئیم نظر اسلام در باره زنان چنین است؛ چه این که اسلام در یک جامعه بدوی و عصبیت‌های قبایلی متولد شد که مردان باسواد شان به اندازه تعداد انگشتان دست نبوده است و تازه مسلمانان افتخار شان این است که پیامبر شان خواندن و نوشتن را یاد نداشته است؛ چه برسد که همسران او و یا همسران بزرگان صحابه باسواد باشند و یا زنان فعالیت فرهنگی،

سیاسی و اجتماعی داشته باشند. گرچند بلاذری از باسواد بودن حفصه و یا یکی دو زن دیگر یاد کرده [۱]، اما موارد استثنا هیچ وقت یک سنت و یک روند هدفمند را اثبات نمی کند.

همین که یکی دو روایت در رابطه با فرض بودن آموزش علم چون «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» وجود دارد، کافی است. این روایت در منابع اهل سنت به صورت متواتر و از ۵۰ طریق نقل شده است؛ [۲] با این توضیح که کلمه «مسلمه» را ندارد. با آن هم کلمه «مسلم» اطلاق دارد و شامل مرد و زن می شود. ابن تیمیه، تحصیل علم را واجب کفایی می داند [۳] و این سخن راه را برای امثال طالبان باز می کند که اگر مرد ها درس خواندند کفایت می کند. از سویی باز توجیهاتی در منابع اهل سنت و همچنین در منابع شیعه وجود دارد که مراد از فرض بودن علم، «علم نفس» مومن است که در هر حال خدا را شاکر باشد و ... [۴].

بنابراین، ما نمی توانیم از منابع دینی و با تکیه بر سیره پیامبر و اتکاء به جامعه صدر اسلام، حق آموزش زنان را اثبات کنیم. اصولاً تفسیر قرآن و روایات بدون خاستگاه تاریخی و بستر جامعه شناختی نزول آیات و صدور روایات امکان ندارد. زیرا بدون شناخت جامعه شبهه جزیره عربستان و صرفاً با تکیه بر متن، تفسیر قرآن و شرح روایات، تفسیر و تحلیل ما گمراهانه، ناقص و نادرست است.

منابع

۱. فتوح البلدان، بلاذری، ج ۳، ص ۵۸۰.
۲. آرشیف ملتقی أهل الحديث - ملتقی أهل الحديث، جلد : 14 صفحه : 360
۳. ابن تیمیه، الحسبة، تحقیق علی نایف الشحود، ص 256.
۴. بحار الأنوار - دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسی، جلد : 67 صفحه : 68